

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 15, Consecutive Number 30, Spring 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



floating criminal elements; Feasibility of investigating the elements of environmental crimes

Hajibaigi.Sahar¹- Alipour.Hasan^{2*}- Pakzad.Batool³

1: PhD Student of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Tehran Shomal, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran: Corresponding Author: (hassan.alipour@gmail.com)

3: Assistant Professor of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Tehran Shomal, Tehran, Iran.

The floating of the element of the criminal result is related to the floating and dynamism of the subject of the crime as well as the criminal behavior, and although the feature of floating is crystallized in the element of the result, in general, the constituent elements of environmental crimes will have the characteristic of floating. The present article, using library sources and descriptive analytical method, by examining the link between the three elements that make up the material element of environmental crimes and focusing on the result element, has reached the achievement that in these crimes, after investigating the behavior of the perpetrator, the elements Criminals are constantly changing; Therefore, the way they are recognized by the relevant environmental authorities and the way of their judicial verification, requires continuous monitoring and multiple evaluation. This attitude provides a dynamic and differential criminal policy that is in line with other measures and policies to protect the environment at a time when crimes against it are committed abundantly by governments and legal and natural persons. It is necessary.

Keywords: environmental crimes, floating material element, result element, citation relationship, environmental pollution.

- S. Hajibeigi-H. Alipour-B. Pakzad (2023). floating criminal elements; Feasibility of investigating the elements of environmental crimes, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(30), 121-146.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29738.3511](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29738.3511)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵- شماره ۳۰- بهار ۱۴۰۲

صفحات ۱۲۱- ۱۴۶ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۰/۰۷- بازنگری ۱۴۰۱/۱۲/۰۲- پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

عناصر مجرمانه شناور؛ امکان سنجی تحقق عناصر جرایم زیست محیطی

سحر حاجی بیگی ۱/ حسن عالی پور ۲* / بتول پاکزاد ۳

۱: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

hassan.alipour@gmail.com

۳: استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده: عنصر مجرمانه شناور، ناظر به استمرار نتیجه مجرمانه و تشدید یا تخفیف آن است. همانند رفتار جرم که به صورت آنی و مستمر هر دو محقق می‌شود، برخی از نتایج مجرمانه نیز به صورت آنی یا مستمر قابل تحقق بوده و جرایم زیست محیطی عموماً دارای چنین نتایجی‌اند؛ با این حال، به جهت پیوستگی نتیجه جرم به ماهیت و ویژگی‌های موضوع جرم یعنی نمادهای زیست محیطی از یک سو، و قابلیت تشدید یا تخفیف یا تبدیل در ماهیت نتیجه از سوی دیگر، شناور بودن نتیجه مجرمانه عنوان دقیق‌تری در سنجش با مستمر بودن آن به نظر می‌رسد.

شناور بودن عنصر نتیجه مجرمانه، مرتبط با شناور و پویا بودن موضوع جرم و نیز رفتار مجرمانه است و گرچه ویژگی شناور بودن، در عنصر نتیجه متبلور می‌شود ولی به طور کلی عناصر تشکیل دهنده جرایم زیست محیطی برخوردار از وصف شناور بودن خواهند بود. مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی با بررسی پیوند سه عنصر تشکیل دهنده رکن مادی جرایم زیست محیطی و با تمرکز بر عنصر نتیجه، به این دستاورد رسیده است که در این جرایم، پس از تحقق رفتار مرکب، عناصر مجرمانه به صورت پیوسته در حال تغییرند؛ از اینرو، نحوه تشخیص آنها از سوی مراجع زیست محیطی مربوطه و شیوه احراز قضایی آنها، نیازمند دیده بانی پیوسته و ارزیابی چندگانه دارد. این نگرش، یک سیاست کیفری پویا و اقتراقی پیش روی می‌نهد که متناسب با دیگر اقدامات و سیاست‌ها برای حفاظت از محیط زیست در دورانی که جرایم ضد آن به وفور از سوی دولت‌ها و اشخاص حقوقی و حقیقی ارتکاب می‌یابد، لازم می‌نماید.

کلیدواژه: جرایم زیست محیطی، رکن مادی شناور، عنصر نتیجه، رابطه استناد، آلوده سازی محیط زیست.

- حاجی بیگی، سحر؛ عالی پور، حسن؛ پاکزاد، بتول (۱۴۰۲). عناصر مجرمانه شناور؛ امکان سنجی تحقق عناصر جرایم زیست محیطی. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۰، صفحات ۱۲۱-۱۴۶.

Doi: 10.22075/feqh.2023.29738.3511

مقدمه

جرایم زیست محیطی هم از جهت ثبوت و هم از منظر اثبات با دیگر جرایم، تفاوت‌های آشکاری دارند. از جهت ثبوتی، این جرایم ضرورتاً در زمان وقوع رفتار مرتکب، محقق نمی‌شوند و تحقق آنها در برخی و بلکه بیشتر موردها منوط به فعل و انفعالاتی در آینده است. به طور معمول، با وقوع رفتار ممنوعه بر روی موضوع مورد حمایت به همراه شرایطی که قانون پیش‌بینی کرده است، جرم شکل می‌گیرد. آن چه ملاک ثبوت است، رفتاری است که مرتکب انجام داده و ارزشی است که خدشه دار شده یا حرمتش شکسته است. این قاعده درباره جرایم مطلق یا رفتاری صدق می‌کند ولی اگر رفتار ممنوعه منوط به تحقق نتیجه باشد در این صورت، با تحقق نتیجه جرم محقق می‌شود و تا زمانی که نتیجه حاصل نشده است، جرم تامی به وقوع نپیوسته هر چند که رفتار ارتکاب یافته باشد. این قاعده درباره جرایم مقید صدق می‌کند که قانونگذار، عنصر نتیجه را در کنار عنصر رفتار و موضوع برای جرم شرط کرده است. به سخن دیگر، در قانون تصریح شده است که رفتار به چه نتیجه‌ای منتهی شود. برای مثال، در تعریف بزه سبز چنین گفته شده است: «بزه سبز، ناظر بر فعل یا ترک فعلی است که به محیط زیست آسیب زند؛ البته در مورد ضرر در کشورهای مختلف، اختلاف نظر وجود دارد» (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۶).

در برخی از جرایم، عنصر نتیجه به صراحت پیش‌بینی نشده است ولی مشخصاً برای تحقق چنین جرایمی، صرف تحقق رفتار برای محقق شدن جرم، کفایت نمی‌کند. جرایم زیست محیطی یکی از مصادیق بارز چنین جرایمی اند. بنابراین چالشی که جرایم زیست محیطی از منظر ثبوتی دارند، در تحقق رفتار توأم با نتیجه است که روشن نیست آیا چنین جرایمی را باید از منظر تحقق واقعی و ناظر به گذشته شناسایی کرد یا از دید تحقق اعتباری و ناظر به آینده؟ برای نمونه، طبق تبصره ۲ ماده ۶۸۸ بخش تعزیرات، منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که

به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد. «تغییر همراه با ضرر»، ملاک شناسایی نتیجه یا پیامد رفتار مرتکب در قبال آلودگی زیست محیطی است. قطعاً در بیشتر موارد، اقدام مرتکب در زمان وقوع همراه با تغییر زیان آور در کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آب، هوا، خاک یا زمین نیست و بسا برای چنین تغییراتی زمان کوتاه مدّت یا بلند مدّت نیاز باشد ولی آن چه که روشن است این است که در زمان وقوع رفتار، چنین نتایجی هنوز به دست نیامده است. از منظر ثبوتی از یک سو می توان گفت که رفتار، محقق است ولی نتیجه، محقق نیست؛ زیرا باید نتیجه به طور منطقی احراز و در پی آن تغییرات مضر بر روی طبیعت بررسی شود. از سوی دیگر می توان گفت رفتار و نتیجه هر دو محقق نیستند؛ چراکه در جرایمی که منوط به تحقق نتیجه است تا زمانی که نتیجه حاصل نشده است، رفتار جرم نیز محقق نخواهد بود. با این حال، چالش دیگری مطرح می شود و آن استقلال رفتار و نتیجه از همدیگر است؛ زیرا اگر در جرایم مقید یا جرایمی که مقید دانسته می شود نتیجه حاصل نشود، به معنای عدم تحقق رفتار نیست و رفتار شکل گرفته دستکم در جرایمی که دارای مجازات های مصرح در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی اند، می تواند مصداق شروع به جرم مورد نظر باشد. شاید هم بتوان گفت که پس از وقوع رفتار مرتکب، نتیجه آن مفروض گرفته می شود، یا اعتبار در نظر گرفته می شود تا تکلیف پرونده قضایی روشن شود؛ ولی همین نکته ما را به چالش اصلی دوم - یعنی اثبات عناصر متشکله جرایم زیست محیطی - می کشاند.

اثبات عناصر جرایم زیست محیطی به ویژه عنصر نتیجه، بدون نظر کارشناسی و مراجعه به متصدیان مرتبط با امور محیط زیست، شدنی نیست؛ به همین دلیل، گاه قانونگذار به چنین ضرورتی اشاره می کند. تبصره یک ماده ۶۸۸ بخش تعزیرات، تشخیص تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست را بر حسب مورد به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست و یا سازمان دامپزشکی گذارده است. این نکته نشان می دهد که مقام قضایی در قبال جرایم

زیست محیطی نمی‌تواند نتیجه یا نتایج رفتار مرتکب را مفروض بداند یا اعتبار کند، بلکه باید از دریچه کارشناسی به احراز عناصر جرم دست زند. با این حال، چالش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود احراز آلودگی زیست محیطی یا در تعبیری کلان تر، تحقق رفتار علیه محیط زیست است. با توجه به تغییرپذیری کیفیت آب، خاک، زمین، هوا و دیگر نمادهای طبیعت، آیا تشخیص نهادهای مربوطه و به تبع آن احراز قضایی شناور خواهد بود یا این که صرف یکبار تشخیص، کافی است هر چند که پس از تشخیص زیانبار بودن رفتار مرتکب، به واقع روشن شود که در ادامه زبانی به همراه نداشته است و یا پس از تشخیص عدم زیانبار بودن رفتار مرتکب، روشن شود که اثرات منفی و مخرب بر روی محیط زیست داشته است.

نوشتار حاضر در پی امکان سنجی ارایه تفسیری از نحوه احراز عناصر تشکیل دهنده جرایم زیست محیطی است که از آن به شناور بودن عناصر متشکله جرم یاد می‌کند. نگرانی فزاینده درباره تغییرات اقلیمی و آب و هوایی و به طور کلی زیست محیطی که بخش اعظم این تغییرات ناشی از رفتار اشخاص حقوقی و حقیقی است، اقتضای ارایه رویکردهای جدید برای شکل دهی به یک رویه قضایی کارآمد و مطلوب در رویارویی با جرایم زیست محیطی است؛ «برای مثال، از میان ۸۰ رودخانه کشور، ۵۰ رودخانه آلوده به مواد صنعتی، شیمیایی، روستایی، کشاورزی و همچنین پساب‌های بیمارستانی و عفونی است که از این میان بیشترین آلودگی رودخانه‌های کشور به علت روان شدن پاسب‌ها و پسماندهای صنعتی و شیمیایی به داخل رودخانه‌ها بوده است» (شفیعی و رنجبر، ۱۳۹۷: ۲۵) در این راستا کافی است نسبت میان واژه بسیار رسانه‌ای شده و مشهور یعنی «تغییرات زیست محیطی» و واژه کمتر شناخته شده قانونی، یعنی «تغییرات مضر» برای کیفیت محیط زیست» سنجیده شود؛ در حالی که هر دو با واژه «تغییر» شناسایی می‌شوند ولی هیچگاه نظام قضایی خود را درگیر این نکته نکرده است که آیا آن چه هر روزه از آن به عنوان تغییرات آب و هوایی و دگرگونی‌های زیست محیطی یاد می‌شود، همان تغییری است که در مقرراتی نظیر ماده ۶۸۸ بخش تعزیرات آمده است یا

خیر؟ بنابراین با اندکی توجه به چالش‌های زیست محیطی، بستر طرح پرونده‌های زیست محیطی به صورت گسترده مطرح می‌شود و در این میان تعبیر «تغییر زیانبار» می‌تواند حاکی از نگرشی جدید درباره احراز عناصر جرایم زیست محیطی یعنی شناور بودن عناصر باشد. این نگرش نو در صدد انتقال ویژگی مستمر بودن رفتار همچنین به مستمر بودن نتیجه مجرمانه است با این تفاوت که نتیجه مجرمانه، اقدام یا فعل مرتکب نیست که بر اساس خواست وی در طول زمان استمرار داشته باشد، بلکه بر حسب شرایط و اقتضائات مرتبط با محیط زیست، معلول وار، رخ می‌نماید. از اینرو، تعبیر شناور بودن، مناسب‌تر از مستمر بودن خواهد بود. بر این اساس، در این نوشتار ابتدا به ویژگی‌های ارزش مورد حمایت کیفری یعنی محیط زیست اشاره می‌شود و سپس عناصر شکل دهنده جرایم زیست محیطی که متمرکز بر رفتار و نتیجه است از منظر شناور بودن مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در نهایت، راهبردهایی که از منظر عنصرشناسی جرایم زیست محیطی برای رویارویی با این جرایم مطلوب به نظر می‌رسد، ارائه خواهد شد.

۱- محیط زیست؛ ارزشی با دگرگونی‌های پیوسته

ارزش یا موضوع مورد حمایت کیفری، آن چیزی است که قانونگذار با جرم‌انگاری رفتارهای خاص و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری در صدد پشتیبانی از آن است. محیط زیست^۱ موضوعی است که حقوق کیفری سنتی نه تنها در چگونگی حمایت از آن سردرگم بوده و بر همین اساس، «یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری که پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است» (کوشکی، ۱۳۸۶: ۳) که گاهی درباره چرایی حمایت از آن نیز در تردید به سر می‌برده است. دلیل این امر، مقایسه محیط زیست با دیگر ارزش‌های مورد حمایت در حقوق کیفری مانند جان، اموال، امنیت عمومی یا امنیت ملی است. محیط زیست سه ویژگی مهم دارد که

۱. درباره لزوم توجه به محیط زیست و ارزش‌گذاری آن از منظر آموزه‌های اسلامی ر.ک: امیدی و یوسفی پور،

سبب می شود تا حقوق کیفری درباره چرایی و چگونگی حمایت از آن، مسیر شفافی انتخاب نکند:

۱-۱- تضاد خرد و کلان

محیط زیست از ریزترین نمادهای طبیعی شروع می شود تا به کلان ترین آنها که شامل کره زمین و جو آن و حتی کل گیتی است، می انجامد. این گستره و تنوع از مظاهر محیط زیست سبب می شود تا حقوق کیفری در قبال این که از چه چیزی حمایت کند، سردرگم باشد.

به دیگر سخن، محیط زیست به قسمت های مختلفی اطلاق می شود؛ در بخش هایی از آن عناصر جاننداری وجود دارند که برای زندگی و جامعه اهمیت و ضرورت دارند و در بخش هایی از آن عناصر بی جان وجود دارند. برای مثال، در ارتباط با عناصر جاندار همان قدر که ورود آسیب به یک پلانکتون موجود در دریا یا صخره های مرجانی واقع در یک محیط دریایی می تواند مشمول عنوان مجرمانه گردد، همانقدر نیز رفتار ارتکاب یافته بر ضد ماهیان یا آبزیان خاص یک منطقه جرم محسوب می گردد. یا همان طور که از بین بردن چندین اصله درخت می تواند یک جرم محیط زیستی تلقی گردد، تخریب یک گونه گیاهی کوچک نیز می تواند چنین پیامدی به همراه داشته باشد.

گاه ورود آسیب به همین عناصر جاندار می تواند مشکلات و جرایم دیگری را سبب شود. به دیگر سخن می توان گفت که جرایم زیست محیطی می تواند منجر به جرایم دیگری نیز گردد. برای مثال، «ماهگیری بی رویه و افراطی در سواحل سومالی باعث به یغما رفتن شیلات این منطقه شده است. ماهی هایی که تنها منبع تأمین زندگی و درآمد ساکنان آن نواحی بودند. در نتیجه ساکنان این منطقه با مشکل تأمین غذا مواجه شده و برای تأمین مایحتاج زندگی خود به دزدی دریایی، روی آورده اند» (وایت، ۱۳۹۵: ۵۵). اما همان اندازه که تخریب و از بین بردن عناصر جاندار محیط زیست مهم تلقی گردیده اند، عناصر بی جان نیز دارای ارزش می باشند. به دیگر سخن محیط زیست علاوه بر عناصر جاننداری همچون آبزیان یا گیاهان موجود در دریا، از عناصر غیر جاننداری

هم چون آب و خاک و هوا نیز تشکیل شده است. بنابراین این عناصر نیز ممکن است موضوع جرم قرار بگیرند. لازم به ذکر است که ارتکاب رفتار مجرمانه علیه عناصر بی جان محیط زیست اگر دارای اهمیتی بیشتر از ارتکاب رفتار علیه عناصر جاندار نباشد، کمتر نیست و نباید بی جان بودن این عناصر را به منزله بی ارزش بودن آنها تلقی نمود. بر همین اساس بوده است که آلودگی هر کدام از عناصر یاد شده، در برخی فروض جرم انگاری گردیده‌اند.

به علاوه امروزه ارزش‌هایی مانند عناصر زیبایی شناسی طبیعت نیز اضافه گردیده و به شدت از آن حمایت می‌شود و برخی از رفتارهای ارتکاب یافته بر ضد جنبه زیبایی شناسی طبیعت نیز می‌تواند مصداق جرم محسوب گردد. «توجه زیبایی شناسی به درک ما از زیبایی طبیعت مربوط می‌شود، مثلاً بسیاری از مردم مناظر زیبا را دوست دارند؛ حیات وحش و طبیعت را می‌ستایند و ترجیح می‌دهند در چنین دنیایی زندگی نمایند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۸).

۲-۱- تضاد اصل و فرع

بسیاری از ارزش‌های مورد حمایت کیفری، خود نمادی از طبیعت اند. جان انسان و دارایی آنها به ویژه اموال غیرمنقول و اراضی و نیز حیوانات متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی، خود به عنوان ارزش‌های زیست محیطی نیز مطرح می‌شوند. اگر جان انسان‌ها - چه در قالب جنایت و چه در قالب تروسم - با اقدامات بیولوژیکی تهدید شود یا اراضی یا درختان متعلق به اشخاص تخریب شود در واقع، جرمی بر ضد محیط زیست محقق شده است. به سخن دیگر، از آنجایی که جرایم زیست محیطی دارای ابعاد و ویژگی‌های متعدد می‌باشد، در دسته بندی‌های مختلف جرایم قرار گرفته‌اند. از این منظر که جرایم زیست محیطی سلامت و زندگی بشر را به مخاطره می‌اندازد، در طبقه بندی جرایم بر علیه اشخاص یا تمامیت جسمانی قرار دارد. جرم زیست محیطی پس از ارتکاب، باعث ایجاد صدمه شدید نسبت به محیط زیست و تخریب اموال اشخاص چه اموال عمومی و چه خصوصی می‌شود و از همین منظر در طبقه بندی جرایم بر علیه اموال

و یا مالکیت قرار می‌گیرد. برخی نیز چنین بیان داشته‌اند که از آنجایی که جرایم زیست محیطی «دارای آثار نامطلوب روحی و روانی در جامعه بوده و به عبارت دیگر، بدون این که هدفشان آسیب رساندن به فرد خاصی باشد، تمامی موجودات و از جمله انسان را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان آنها را در طبقه بندی جرایم علیه آسایش عمومی قرار داد. با توجه به این که جرایم محیط زیستی، افراد جامعه را در کلیات آن، مورد تعرض قرار می‌دهد و فرد یا افراد خاصی را مدنظر ندارد، و علاوه بر آن، عرصه زندگی را بر سایر موجودات اعم از حیوانات و گیاهان به مخاطره می‌اندازد، باید آن را در زمره جرایم علیه آسایش عمومی قرار داد» (قربانی، ۱۳۹۹: ۴۹ به نقل از کریمی، ۱۳۶۸: ۱۴۲).

از همین روی، حقوق کیفری سنتی، همواره اندیشیده است که بخش بزرگی از حمایت خود از محیط زیست را از طریق ارزش‌های دیگر انجام داده است و به سخن دیگر، محیط زیست یک ارزش فرعی برای حمایت تلقی می‌شود.

۳-۱- تضاد ایستایی و پویایی

حقوق کیفری در ممنوع کردن رفتارها، نگرشی گذشته محور دارد. حتی در گذشته نسبت به مجازات‌ها نیز رویکرد گذشته محور حاکم بود و مجازات کردن افراد به خاطر عملی بوده است که در گذشته انجام داده‌اند و اکنون سزاوار کیفر اند. به تدریج در دو سده اخیر، رویکردهای آینده نگر برای اهداف مجازات مطرح شد به گونه‌ای که مجازات‌ها همچنین برای بازدارندگی و پیشگیری از جرم در آینده نیز نقش آفرینی می‌کنند. با این حال، درباره ممنوع کردن رفتار، همچنان نگرش گذشته محور حاکم است. جرم انگاری نه تنها به واسطه انجام رفتارهای سرزنش پذیر یا زیانبار در گذشته است که قوانین موجود تکافوی واکنش به آنها را نداشته‌اند، بلکه به همین منوال، مقام قضایی نیز با جرمی سروکار دارد که در گذشته رخ داده است و باید اکنون آن را احراز کند. در واقع، اقدام مقنن و قاضی از این جهت مشابه هم است. مقنن در پی جرم انگاری رفتارهایی است که در جامعه رخ داده و در قبال پاسخ کیفری به آنها، خلأ قانونی وجود

دارد و قاضی نیز در پی احراز جرمی است که در جامعه رخ داده و در مقام واکنش عملی به آن است.

حقوق کیفری در مواجهه با جرایم زیست محیطی با نگرشی آینده نگر رو به رو است. این نگرش نه تنها می‌تواند در جرم‌انگاری مطرح شود بلکه در احراز قضایی نیز قابل طرح است. از این جهت، پویایی قانونگذاری و قضاوت در قبال رفتارهای تهدید آفرین بر ضد محیط زیست بر ایستایی آن می‌چربد.

۲- جرایم زیست محیطی؛ به گستردگی محیط زیست

حقوقدانان و سازمان‌های مختلف به تعریف جرم زیست محیطی پرداخته‌اند. برخی جرم زیست محیطی را چنین تعریف کرده‌اند: «هر نوع فعل یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شود» (قوام، ۱۳۷۵: ۲۳۷) نیز بنا به تعریف برنامه کاری مبارزه با جرایم زیست محیطی سازمان بین‌المللی پلیس جنایی، «جرایم زیست محیطی عبارتند از: نقض قوانین زیست محیطی بین‌المللی، ملی و یا توافقنامه‌هایی که برای اطمینان از حفاظت و ثبات محیط جهان، منابع زیستی و طبیعی وضع گردیده‌اند» (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۲). لیکن جرایم زیست محیطی در یک تعریف ساده، به هر رفتار غیرقانونی و قابل کیفر بر ضد محیط زیست گفته می‌شود. در ورای این سادگی، همه ابهامات و چالش‌هایی که محیط زیست به عنوان یک ارزش دارد در شناخت جرایم زیست محیطی نیز استوار خواهند بود. جرایم زیست محیطی را از منظرهای مختلف می‌توان شناسایی کرد؛ با این حال، معیاری که بتواند موجب شناسایی این جرایم شود، نهایتاً نسبی و خدشه پذیر است؛ زیرا به جهت گستردگی قوانین کیفری مرتبط با جرایم زیست محیطی از یک سو و عدم تمیز قوانین کیفری که مرتبط با محیط زیست اند یا خیر، نخستین گام شروع ابهام در شناسایی جرایم زیست محیطی است. با این حال ابهام در زمینه جرایم زیست محیطی فقط از دریچه قوانین پراکنده و مصداق‌های قانونی فراوان نیست؛ بلکه در ارتباط با ماهیت خود این

جرائم نیز هست. با بررسی قوانین کیفری پراکنده، می‌توان برخی از جلوه‌های بارز مرتبط با ماهیت جرائم زیست محیطی را شناسایی کرد:

۱-۲- عنصر رفتار

گسترده‌ترین و متنوع‌ترین مجموعه رفتارهای مجرمانه، مختص جرائم زیست محیطی است. دلیل این امر، تنوع موضوعات یا ارزش‌های مورد حمایت قانون است. آنچه که به عنوان ارزش یا موضوع مطرح می‌شود لاجرم در برابر ضد ارزش یا رفتار قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل، رفتارهای مجرمانه برای جرائم زیست محیطی گرچه حول چند رفتار اصلی مانند آلوده کردن، تخریب یا از بین بردن می‌چرخند ولی بسیار پرمصادق‌اند. برای مثال، از ایجاد صدا از موتورهای یک کشتی که می‌تواند یک رفتار ضد محیط زیستی و یا جرم تلقی گردد گرفته تا تخلیه عمدی نفت در دریا^۱ که تبعات بسیار سنگینی برای محیط زیست دریایی و موجودات آن دارد، از انتشار یک گاز گلخانه‌ای در هوا

۱. سوخت قاچاق؛ قاتل آبریزان خلیج فارس: «همزمان با افزایش کنترل پدیده قاچاق سوخت و مواد نفتی در مرزهای آبی جنوب کشور از سوی نیروهای انتظامی و دریابانی در یکی دو سال اخیر، ورود و تخلیه مواد نفتی به دریا و آلودگی این اکوسیستم دریایی و همچنین جنگل‌های حرا نیز افزایش یافته است، زیرا قاچاقچیان سوخت، هنگام تعقیب و گریز با نیروهای انتظامی و برای مبرا شدن خود از این جرم، به تخلیه محموله نفتی خود به دریا اقدام می‌کنند. قاچاق سوخت از طریق دریا علاوه بر خسارت‌های مالی، پیامدهای زیست محیطی فراوانی هم برای دریا دارد، زیرا بارگیری، انتقال و تخلیه این مواد در مقصد همواره با نشت آن در دریا همراه است. از سوی دیگر قاچاقچیان هنگامی که تحت تعقیب نیروهای انتظامی در دریا قرار می‌گیرند، برای مبرا کردن خود و کاهش جرمانه، بلافاصله به تخلیه مواد سوختی در دریا اقدام می‌کنند که این امر به آلوده کردن سطح دریا منجر می‌شود. به طور نمونه چندی پیش قاچاقچیان سوخت در لارک قشم برای گریز از جنگ ماموران پایگاه دریابانی قشم، افزون بر ۳۰ هزار لیتر از محموله ۱۱۰ هزار لیتری گازوئیل قاچاق را به دریا ریختند. معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست نیز با بیان این که سالانه ۱/۲ میلیون بشکه نفت به دلایل مختلف مانند قاچاق سوخت، نشت نفتکش‌ها، حوادث دریایی و... در آب‌های خلیج فارس تخلیه می‌شود، در گفتگو با ایرنا می‌گوید: این معضل نه تنها به مرگ جنگل‌های حرا و محیط زیست منطقه می‌انجامد، بلکه بیش از ۱۲۷ میلیون دلار از درآمدهای نفتی را هدر می‌دهد». به نقل از:

۱۳۹۲ بهمن ۳، <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/1355309466055967148>

که منجر به ایجاد آسیب و صدمه برای موجودات زنده موجود در آن گرفته تا قطع درختان خاص و کمیاب یک منطقه همه می‌تواند یک جرم محیط زیستی تلقی گردد. همچنین برخی رفتارهای به ظاهر ساده نیز می‌توانند یک جرم زیست محیطی را تشکیل دهند. برای مثال، «اظهارات نادرست در مورد یک حادثه زیست محیطی، عدم اطلاع رسانی درباره آن حادثه، فعالیت بدون مجوز در یک حوزه از محیط زیست که نیازمند مجوز است و نقض حدود یا شرایط مجوز، می‌توانند یک جرم زیست محیطی تلقی گردند» (Rob, 2009: 232).

همین گستردگی نیز چالش‌های زیادی را به همراه دارد. رفتار مرتکب ممکن است به شکل فعل و یا ترک فعل باشد. رکن مادی جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شامل هر دو شکل رفتار مرتکب، یعنی فعل و ترک فعل است با این تفاوت که، جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل بسیار اندک است و عنصر مادی بیشتر این جرایم ناشی از فعل است. اعمالی مانند: آلوده کردن، توزیع کردن، ریختن، پخش و منتشر کردن، عرضه کردن، که در قوانین و مقررات مختلف مورد توجه قرار گرفته است. یکی از قوانینی که از تحقیق جرم زیست محیطی ناشی از ترک فعل سخن گفته است قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا است. در ماده ۵ این قانون، نگرفتن گواهینامه مخصوص مربوط به رعایت حد مجاز خروجی آلاینده‌های هوا، در ماده ۷ رعایت نکردن محدودیت و یا ممنوعیت موقت زمانی، مکانی و نوعی برای منابع آلوده کننده، جرم تلقی شده است. یا برای مثال، اگر یک شرکت حفاری نفت در بازرسی و نگهداری اتصالات و لوله کشی‌های شرکت، تفریط کند و در نتیجه، مقادیر زیاد نفت به اکوسیستم دریا نشت کرده و باعث تخریب، آسیب یا از بین بردن اکوسیستم آن شود، وقوع جرم محرز به نظر می‌رسد.

رفتار جرم گاه از سوی اشخاصی به منصفه ظهور می‌رسد که در انجام آن رفتار گویی علل موجهه دارند، حال آن که اساساً نباید چنین باشد. به دیگر سخن زمانی که دولت‌ها

و سازمان‌های عمومی غیردولتی مثل شهرداری‌ها اقدام به انجام رفتارهایی می‌کنند که برخلاف ارزش‌های محیط زیستی موجود است، مانند اقدام به احداث بی‌رویه سدها در مسیر رودهای منتهی به دریاچه ارومیه که باعث خشک شدن این میراث زیست محیطی منحصر به فرد جهانی گردیده است، یا زمانی که سه هزار اصله درخت جنگل‌های هیرکانی برای ساخت سد سفارود در گیلان قطع گردید، درختانی که نمی‌توان به جای آن‌ها درختان دیگری کاشت، این رفتارها با این عبارت که انجام این کار برای رفاه و انجام خدمات رسانی به مردم و موضوعات حاکمیتی مورد نیاز بوده است، توجیه می‌شوند و یا این که در صورت عدم توجیه نیز به صورت جدی مورد تعقیب و رسیدگی قضایی قرار نمی‌گیرند. در حقیقت در این موارد عنوان مجری قانون و مجرم در یکجا جمع شده است.

«در آلبرتای کانادا، شاهد گونه دیگری از این اقدامات دولتی هستیم. در این منطقه از کانادا، دولت و شرکت‌ها، اقدام به استخراج نفت، از ماسه‌های مملو از قیر می‌کنند. این ماسه‌ها که با عنوان «ماسه‌های تار»، شناخته می‌شود، محل ذخیره میلیون‌ها تن نفت خام است. برای رسیدن به بستر ماسه‌های تار، دولت کانادا و شرکت‌های استخراج نفت، درختان جنگل‌های شمال کانادا را، به کلی نابود کرده‌اند. پسماندها و لکه‌های ناشی از این فعالیت‌ها، زندگی آبزیان، حیوانات و افراد ساکن در نزدیکی آن محل را با خطر مواجه کرده است و حتی گفته می‌شود فعالیت‌های مذکور بیشترین نقش را در گرم شدن کانادا داشته است» (Broschwimmer, 2002: 70).

در برخی موارد نیز شخص مرتکب رفتار مجرمانه می‌گردد اما از آنجایی که انجام دهنده آن دارای قدرت و ثروت بسیاری است اقدام به اخفای آن می‌نماید؛ چراکه همان‌طور که گفته شد، جرایم زیست محیطی در محلی رخ می‌دهند که نظارت گسترده‌ای بر آنها وجود ندارد و امکان مطلع شدن افراد عادی از آنها بسیار کم می‌باشد.

برای مثال، «نشت نفت دیپ واتر هوریزون» در خلیج مکزیک، یکی از فاجعه بارترین حوادث زیست محیطی قرن بیست و یکم است. این فاجعه زیست محیطی که در ۲۰ آوریل سال ۲۰۱۰ رخ داد، ۱۷۷۰ کیلومتر خط ساحلی را آلوده کرد. وسعت حادثه به قدری بود که می‌توان آن را یکی از آشکارترین نمونه‌های اکوساید، به حساب آورد؛ اما آن چه در این مورد جالب توجه است، تلاش‌های پس از حادثه، توسط شرکت «بریتیش پترولیوم»، برای سرپوش گذاری بر این حادثه بود. «تحقیقات انجام شده و مدارک موجود، حاکی از آن است که بعد از نشت نفت، شرکت بریتیش پترولیوم، نگهبانان خصوصی را استخدام کرده است، تا سواحل عمومی را به روی روزنامه نگاران و شهود ببندند» (Brisman and South, 2014: 42).

گاه نیز رفتار از سوی اشخاصی حقوقی انجام می‌پذیرد که در این فعل یک شخص حقیقی که نماینده شخص حقوقی می‌باشد نیز دخیل است. از همین رو پذیرش مسئولیت کیفری صرفاً برای شخص حقیقی یا صرفاً برای شخص حقیقی چالش برانگیز می‌شود. هرچند برخی معتقدند که «مسئولیت کیفری مشترک، محرک خوب، کافی و مؤثری برای شرکت‌ها به وجود می‌آورد تا مراقبت و نظارت لازم را نسبت به کارگزارانشان اعمال کنند و از سوی دیگر، پذیرش این نظر مانع سوء استفاده از موقعیت شرکت‌ها می‌شود» (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰). «امروزه اکثر کشورها قائل به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی هستند» (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۱۵۲)

۲-۲- عنصر نتیجه

به گسترده‌گی رفتار جرایم زیست محیطی، نتیجه جرم گسترده نیست؛ زیرا عنصر نتیجه در همه جرایم زیست محیطی شرط نیست به ویژه اگر طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، قید عنصر نتیجه در کنار رفتار و موضوع، شرط شده باشد. در این صورت باید جرمی را مقید به حصول نتیجه دانست که عنصر نتیجه در قانون منفک از رفتار به صراحت شرط شده باشد. رکن مادی یا رفتار برخی جرایم به گونه‌ای است که

عنصر نتیجه نیز در آن مستتر است. برای مثال، اکوساید که عبارت است از تخریب، آسیب زدن یا از بین بردن گسترده اکوسیستم یک قلمرو خاص زیست محیطی، یک عنوان کلی است که در صورتی جرم محسوب می‌گردد که فعل یا ترک فعل صورت گرفته از سوی اشخاص منجر به تخریب، آسیب زدن و یا از بین بردن اکوسیستم یک قلمرو خاص شود. در اینجا رفتار و نتیجه جرم گویی یکسان در نظر گرفته شده است. تنها تفاوتی که وجود دارد آن است که «قید گسترده در این جرم ناظر به نتیجه است و نه رفتار؛ بنابراین از رفتارهای این جرم چنین استنباط می‌گردد که اکوساید یک جرم مقید به نتیجه است و نتیجه آن عبارت است از «تنزل و آسیب شدید به بهره‌مندی مسالمت آمیز ساکنان یک قلمرو از آن» (Higgins, 2010: 58).

اما «برخی از جرایم عمدی زیست محیطی (که بیشترین جرایم مطرح شده در این قلمرو هستند)، جرایمی هستند که تحقق یافتن آنها نیازمند پدید آمدن صدمه و زیان نیست؛ یعنی موکول به حاصل شدن نتیجه مجرمانه نیست، به عبارت دیگر جرایم زیست محیطی عمدی مطلق هستند» (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

لیکن صرف نظر از این که یک جرم را مطلق بدانیم یا مقید، آن چه در عنصر نتیجه مهم است این نکته می‌باشد که برای آن که رکن مادی جرم را احراز نمود، می‌بایست فیمابین فعل شخص و نتیجه مجرمانه، رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد. به سخن دیگر، باید رابطه سببیت احراز گردد تا بتوان شخص را مسئول تلقی نمود. در دستورالعمل کمیسیون اروپایی گفته شده است که: «تمام اشکال خسارت‌های زیست محیطی از طریق نظام مسئولیت قابل جبران نیست؛ برای تحقق مسئولیت زیست محیطی باید یک یا چند عامل آلاینده معین یا قابل تعیین وجود داشته باشد، خسارت ملموس و عینی بوده و رابطه سببیت بین خسارت و عامل آلاینده وجود داشته باشد». بنابراین، در موردی که آلودگی، وصف «پراکنده» (Widespread) و منتشر دارد و نمی‌توان آثار منفی محیط زیست را به عمل یا ترک عمل عوامل معینی منتسب کرد، مسئولیت زیست محیطی محقق نمی‌شود» (Gibbes and others, 2010: 131).

این رابطه سببیت بر اساس نظریه مطرح در حقوق مدنی است که برای این که بتوان یک شخص را مسئول تلقی نمود وی می‌باید مرتکب تقصیر شده باشد و بین رفتار وی که ناشی از تقصیر بوده و نتیجه به وجود آمده رابطه سببیت وجود داشته باشد. اما حوادث زیست محیطی و به عبارت بهتر رفتارهایی که نسبت به محیط زیست صورت می‌گیرند و به آن آسیب وارد می‌کنند به دلیل این که در یک محیط وسیع اتفاق می‌افتند و نظارت دقیق و شدیدی بر روی فعالیت‌های اشخاص مختلف وجود ندارد، احراز این رابطه سببیت را دشوار می‌نماید. بر همین اساس بوده است که سال‌ها پیش مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت محض تغییر یافته است. دلیل به رسمیت شناختن مسئولیت محض این است که اثبات تقصیر عامل زیان در مسایل زیست محیطی برای زیان دیده بسیار دشوار و پرهزینه است و همچنین از منظر اقتصادی نیز قدرت بازدارندگی مسئولیت محض بیشتر است؛ چراکه هدف در این نوع از مسئولیت پیشگیری از وقوع خسارت است و نه جبران خسارت‌های وارده و در نتیجه بهره‌بردار علاوه بر بیمه، در اجتناب و پیشگیری از وقوع حادثه تلاش بیشتری می‌کند.

برای مثال، گاه دشواری احراز رابطه سببیت بدین دلیل است که محل وقوع جرایم و حوادث محیط زیستی با محل زندگی اشخاص متضرر از آن حادثه، هزاران کیلومتر فاصله دارد، بدین دلیل که جرایم زیست محیطی ماهیتی سیال دارند. برای مثال، قطب جنوب با وجود فاصله بسیار زیادی که از قاره‌های مسکونی دارد اما انواع آلودگی‌ها در آب و هوا، آبریزان و حیوانات آن منطقه وجود دارد. بنابراین تشخیص این که رفتار یک شخص بر ضد محیط زیست چه اثری بر روی محیط زیست گذاشته است تا بعد بر اساس آن بتوان رابطه استناد را احراز کرد و وی را مسئول تلقی نمود، به شدت پیچیده و در برخی موارد غیرممکن است.

به علاوه، زیان‌های وارده به محیط زیست گاه به دلیل برخی ویژگی‌های بستی که در آن رفتار زیانبار یا مجرمانه رخ می‌دهد، باعث می‌گردد که نتیجه از آن چه خواست

مرتکب بوده است متفاوت گردد. در واقع مرتکب رفتار و نتیجه‌ی دیگری مدنظر وی بوده است لیکن نتیجه‌ی دیگری حاصل شده که عنوان مجرمانه دیگری دارد.

۳-۲- رکن روانی

رکن روانی طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در جرایم مطلق شامل دو عنصر قصد رفتار و علم به موضوع است و در جرایم مقید، علاوه بر دو عنصر پیش گفته، قصد نتیجه نیز شرط است که گاه در غیاب قصد نتیجه، علم به وقوع نتیجه کافی خواهد بود. این عنصر در جرایم به قدری اهمیت دارد که «قانون آب پاک آمریکا بر اساس قصد، سه سطح از مجرمیت کیفری را تعیین می‌کند: ۱. سهل انگاری ۲. آگاهی از نقض ۳. آگاهی از خطر» (St. John & others, 2020: 695).

عنصر روانی جرایم عمدی، متشکل از قصد مجرمانه و اراده ارتکاب فعل مجرمانه می‌باشد؛ لیکن در جرایم غیر عمدی آن چه که عنصر روانی جرم را به وجود می‌آورد خطای جزایی و مسئولیت جزایی است. بر همین اساس می‌توان گفت که در جرایم عمدی، مجرم با تمایل و خواستن خود انجام یک رفتاری که قانون برای آن ممنوعیت در نظر گرفته است و یا با ترک آن رفتاری که به موجب قانون ممنوع شده، آن عمل را انجام می‌دهد. به دیگر سخن، مجرم در انجام یا عدم انجام آن عمل قصد منجز دارد. عنصر روانی در جرایم غیر عمدی یک خطای جزایی قلمداد گردیده است. «بعضی از حقوقدانان نیز معتقدند عنصر روانی جرایم عمدی متشکل از علم، آگاهی و اراده بوده و عنصر روانی جرایم غیر عمدی تقصیر یا خطای جزایی می‌باشد. تعریف اخیرالذکر قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد؛ بنابراین، در جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی عنصر روانی وجود دارد، حتی در جرایم غیر عمدی نیز خطای جزایی تشکیل دهنده عنصر روانی است» (احدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۲).

با بررسی جرایم محیط زیست و نظریات حقوقدانان و نویسندگان مختلف به این موضوع پی می‌بریم که دو نظر متفاوت وجود دارد. قاعده کلی در جرایم علیه محیط زیست این است که در عنصر روانی این جرایم، عمد، شرط می‌باشد. بنابر همین قاعده،

جرایم عمدی در نظر گرفته می‌شوند مگر این که قانونگذار خلاف اصل مذکور را بیان نموده باشد. و نیز باز بر اساس همین قاعده بوده است که در جرایم علیه محیط زیست نیز عده‌ای قائل بر این هستند که این جرایم عمدی می‌باشند و در صورت جمع سه عنصر قانونی، مادی و روانی قابلیت تحقق دارند.

جرایم عمدی به دو دسته تقسیم می‌شوند. در بسیاری از جرایم عمدی وجود یک نتیجه برای تحقق جرم لازم و ضروری است. به دیگر سخن، برای این که یک رفتار جرم شناخته شود باید نتیجه آن که مثلاً زیان و صدمه‌ای به یکی از ارکان محیط زیست است، اتفاق افتاده باشد تا بتوان مرتکب آن را مجرم و در نتیجه مسئول کیفری قلمداد نمود؛ در غیر این صورت، آن شخص مجرم محسوب نمی‌گردد. در جرایم عمدی دسته دوم ایجاد نتیجه شرط نیست؛ یعنی لازم نیست که آسیب یا صدمه‌ای وارد شده باشد و صرف انجام آن رفتار یک جرم در نظر گرفته می‌شود. بخش زیادی از جرایم محیط زیستی و جرایم علیه بهداشت عمومی عمدی هستند که برخی از آنها مطلق و برخی دیگر مقید هستند. لیکن به نظر می‌رسد که تعداد جرایم مقید اندک است.

بنابراین برای تحقق یک جرم عمدی مقید، رکن روانی آن شامل دو بخش می‌شود. ابتدا شخص مجرم برای انجام یک جرم عمدی مقید باید به صورت آگاهانه اراده در انجام رفتار مجرمانه و یا قصد ارتکاب رفتار فیزیکی داشته باشد. به علاوه، چون جرم مقید است، خواست مرتکب مبنی بر تحقق نتیجه مجرمانه یا قصد رسیدن به نتیجه نیز اهمیت دارد و شرط تحقق جرم محسوب می‌گردد. پاره اندکی از جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط زیست نیز اینگونه هستند، یعنی جرم عمدی مقید هستند که تحقق آنها منوط به وجود و احراز هر دو قسم سوء نیت که از آنها نام برده شده (عام و خاص) خواهد بود. به عبارت دیگر، هم نیازمند قصد فعل هستند و هم به قصد نتیجه احتیاج دارند.

در بند دال ماده ۱۳ قانون شکار و صید آمده است: «مبادرت به اقداماتی که موجبات آلودگی آب دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان با مواد غیر نفتی

را فراهم آورده و باعث مرگ و میر آبریان یا به خطر افتادن محیط زیست آنان شود». در اینجا صرف آلودگی آب دریای خزر و عمان و خلیج فارس ملاک نیست بلکه باید این آلودگی که به وسیله مواد غیر نفتی ایجاد می‌شود، مرگ آبریان این مناطق دریایی و به مخاطره افتادن محیط زیست این نقاط را نیز به دنبال داشته باشد؛ پس اگر این نتایج حاصل نشود باید گفت که در حقیقت جرم زیست محیطی مورد نظر این بند واقع نشده است.

دسته دیگری از جرایم عمدی، جرایم عمدی مطلق هستند. در این جرایم به نتیجه و به تبع آن قصد نتیجه نیازی نیست و صرفاً قصد مجرمانه شخص برای ارتکاب رفتار مجرمانه و تحقق جرم پیش‌بینی شده کفایت می‌کند.

به این دلیل که جرایم زیست محیطی آثار زیانباری بر جای می‌گذارند و در صورت عدم احراز و در نتیجه اعمال ضمانت اجراهای مناسب نمی‌توان از آنها جلوگیری کرد و از آن جایی که رکن روانی در خصوص جرایم مرتبط با محیط زیست به سختی قابل احراز است و همین امر وقوع جرم محیط زیستی را در هاله‌ای ابهام فرو می‌برد، حقوق‌دانان به دنبال راهکاری برای فائق آمدن بر این موضوع بر آمدند. از جمله تحولاتی که امروزه در زمینه جرایم زیست محیطی در برخی نظام‌های حقوقی دنیا ایجاد گردیده است، تحوّل مفهوم تقصیر و رکن روانی است؛ به گونه‌ای که امروزه در بسیاری از موارد در جرایم زیست محیطی، مسئولیت اعم از حقوقی و کیفری بدون احراز تقصیر و رکن روانی بر مرتکب بار می‌گردد. مسئولیت بدون تقصیر، در واقع، به نادیده گرفتن و یا مفروض انگاشتن تقصیر و رکن روانی اشاره داشته و با قابلیت سرزنش‌پذیری مرتکب ارتباط دارد.

این امر در حقوق کامن‌لا نیز وجود دارد. در این حقوق برخی از نویسندگان و حقوقدانان معتقدند که جرایم زیست محیطی جرایم مطلق محسوب می‌شوند و ارتکاب این جرایم نیاز به عنصر روانی ندارد (St. John & others, 2020: 702)؛ در

داخل ایران نیز برخی از حقوقدانان چنین بیان نموده‌اند که جرایم زیست محیطی جرایم خلافی هستند و بنابراین جزء دسته جرایم عمدی قرار نمی‌گیرند.

یکی از مهم‌ترین حالت‌هایی که برای مسئولیت مطلق در نظر می‌گیرند، در واقع، موردی است که قانونگذار فرض را بر وجود تقصیر و یا عنصر روانی قرار می‌دهد که می‌توان از این حالت تحت عنوان «فرض وجود تقصیر» نیز یاد کرد. «البته در بسیاری از مواردی که قانونگذار چنین فرض‌هایی را پیش‌بینی می‌کند، اجازه اثبات خلاف چنین فرضی را به مرتکب می‌دهد و تنها در پاره‌ای از موارد و به شکل استثنائی است که امکان اثبات خلاف فرض تقصیر امکان پذیر نیست» (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

پیش‌بینی و تحمیل مسئولیت مطلق برای جرایم ارتكابی در حوزه محیط زیست می‌تواند به عنوان یک عامل مهم برای بازداشتن اشخاص در ارتكاب این جرایم عمل نماید؛ با این استدلال که این نوع مسئولیت هزینه جرم را افزایش می‌دهد و مرتکب را وادار به نظارت بیشتر و بازرسی‌های متعدّد می‌نماید تا امکان وقوع جرم محیط زیستی را به حداقل برساند.

۳- رفتار مجرمانه شناور؛ تابعی از ویژگی‌های موضوع مورد حمایت

قوانین کیفری مرتبط با محیط زیست را می‌توان از بعد ارجحیت رفتار یا اولویت نتیجه، به جرایم مرتبط تک تک مصداق‌های محیط زیست و جرایم مرتبط با نمادهای کلان محیط زیست تقسیم کرد. جرایم مرتبط با مصداق‌های زیست محیطی به ویژه جانداران، عموماً در ردیف جرایم رفتاری یا مطلق‌اند و دلیل این امر، مشخص بودن محدوده رفتار بدون نیاز به نتیجه یا پیامد خاصی است. برای نمونه، رفتارهای به کار گرفته در قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی که مصداق‌های شکار جانداران مورد حفاظت و رفتارهای پیرامونی آن مانند حمل و خرید و فروش آنها که همگی با محوریت رفتار است. همین‌طور رفتارهای مرتبط با پسماندها با توجه به ماهیت پسماند، فارغ از هر نتیجه‌ای به شکل گیری جرم می‌انجامد. رفتارهایی مانند نگهداری،

جمع آوری، مخلوط کردن، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماندها (ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳) طیف گسترده‌ای از جرایم زیست محیطی را شکل می‌دهند که جرم مرتبط با آن‌ها در زمان وقوع رفتار، محقق است.

با این حال، در برخی مصداق‌ها نیز رفتار گویی منوط به پیامد است و خود رفتار به تنهایی گویای تحقق جرم نیست. برای نمونه «از بین بردن رستنی‌ها، تخریب پارک‌های ملی و آلوده نمودن آب» طبق بند ج و د ماده ۱۲ قانون پیش گفته نشان می‌دهد که پس از وقوع رفتار، باید احراز شود که رستنی از بین رفته و یا پارک ملی تخریب شده یا آب رودخانه یا دریاچه‌ها یا تالاب آلوده شده‌اند. به طور کلی، محور اصلی رفتارهای ضد محیط زیست، آلوده سازی یا تخریب است و این دو رفتار از جنس رفتارهای آنی نیست. با این حال، این چالش هم وجود دارد که چنین رفتارهایی را نمی‌توان مستمر دانست؛ زیرا شرط استمرار برای تحقق رفتار آلوده کننده یا تخریب کننده در قانون پیش‌بینی نشده است، همچنان که این رفتارها ماهیتاً نیاز به استمرار در طول زمان ندارند تا محقق شوند؛ بنابراین باید گفت، ماهیت این رفتارها، آنی است ولی به جهت این که پیامد رفتار، در تحقق رفتار جلوه‌گری می‌کند، باید رفتار را شناور دانست.

رفتار شناور، رفتاری است که پس از تحقق آن از سوی مرتکب، همچنان در حال تجدید است ولی آن چه که ملاک تجدید و پویایی رفتار است پیامدهای بعدی است که به رفتار محقق شده از سوی یک مسئول کیفری، شکل می‌دهد. به سخن دیگر، مرتکب با انجام رفتار، از صحنه جرم کنار رفته ولی خود رفتار به سان موجودی زنده همچنان در حال شکل‌گیری و تکمیل است. از این رو، در مقام اثباتی، مقام قضایی نباید تنها به ظهور پیامدهای رفتار در زمان تحقق آن بنگرد و بلکه باید فرآیند زایش رفتار که به چهره آلودگی یا تخریب محیط زیست در می‌آید را ملاک تصمیم‌گیری قرار دهد.

این نتیجه با بررسی پرونده‌های مطروح در مراجع قضایی به راحتی قابل پذیرش است. «با بررسی ۱۶۸ پرونده مطروحه (از تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۶ الی ۱۳۸۵/۰۳/۲۰) در دادسرای

ناحیه ۱۹ تهران مشخص گردیده است، ۱۰ درصد قرار مجرمیت و ۹۰ درصد قرار منع تعقیب (از میان چهار قرار نهایی) برای پرونده‌های ارسالی صادر شده است. چنان که ملاحظه می‌گردد، درصد صدور قرار منع تعقیب میزان بسیار بالایی دارد. صدور این قرار از یک سو به منزله عدم وقوع جرم، فقدان دلایل اثباتی و یا عدم احراز سوءنیت می‌باشد و از سوی دیگر ما همواره نظاره‌گر ورود آلاینده‌های گوناگون و تخریب به محیط زیست می‌باشیم» (پیری و قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

۴- نتیجه مجرمانه شناور؛ رویارویی پویایی خبرگی و ثبات قضایی

تعبیر به کار رفته در قوانین کیفری، نشان دهنده محوریت نتیجه مجرمانه در تحقق جرایم زیست محیطی است ولی نتیجه مجرمانه به عنوان یک عنصر کلیدی به غایت نسبی، پویا و شناور است. تعبیری مانند «برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست در پی هر نوع آلودگی و هر اقدام مخرب» بر پایه ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱، «تغییر مضر به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه بر اساس تبصره ۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، «باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبریان شدن» موافق با بند د ماده ۱۲ قانون شکار و صید، «به خطر افتادن محیط زیست در دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان در پی آلودگی آب» موضوع بند د ماده ۱۳ قانون پیش گفته، «فراهم کردن موجبات آلودگی هوا و تغییر زیان آور برای انسان و سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه» طبق ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا همگی نشان دهنده اهمیت عنصر نتیجه در جرایم زیست محیطی است. در واقع، بخش اصلی جرایم زیست محیطی، مقید به نتیجه اند و همین نتیجه ملاک تغییرات نگران کننده در محیط زیست بشر است؛ زیرا به واقع به عنوان یک معلول یا پیامد علت یا رفتار، خود را نشان می‌دهد و بیانی از برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست است.

شناور بودن نتیجه در جرایم زیست محیطی، اصلی‌ترین ویژگی آن است که این جرایم را از دیگر جرایم متمایز می‌کند. نتیجه شناور به معنای قابلیت تجدید، پویایی و

دگرگونی مداوم در نتیجه حاصله از ارتکاب جرم است. نتایج جرایم زیست محیطی که عموماً حول محور تغییر زیانبار یا بر هم خوردن تعادل و تناسب می‌چرخد، می‌تواند حالت‌های مختلفی داشته باشد. گاهی پس از تحقق رفتار، نتیجه جرم در زمان متعارفی مشخص می‌شود مانند آلودگی یک منبع آبی با مواد آلوده کننده که دیگر قابل شرب نباشد. گاهی پس از تحقق رفتار، نتیجه جرم مشخص نیست و نیاز به بررسی دارد؛ مانند آلوده کردن یک رودخانه روان در خلال باران‌های بهاری که فعلاً روشن نیست این آلوده سازی به چه میزان برای آبزیان و جانداران و انسان زیانبار باشد. «در مورد نشت نفت اکسون والدرز، نشت اولیه نفت رخ داد و هنوز هم جمعیت بومی بیست سال پس از حادثه، زیان‌هایی را تجربه می‌کنند» (Gregory and Trousdale, 2009: 2474).

گاهی پس از تحقق رفتار، نتیجه زیانبار به نظر می‌رسد ولی آلودگی قابلیت جذب در محیط زیست و افزایش بهره وری دارد مانند آلوده سازی آب با فضولات حیوانی که ضمن خارج کردن موقت آب از قابلیت شرب، ولی در ادامه می‌تواند به سود محیط زیست باشد. بدین حال، نتیجه رفتار مجرمانه کاملاً منهضم در وضعیت پویایی و تغییرپذیری خود محیط زیست است و نمادهای مدام در حال پویایی به ویژه آب و هوا، می‌تواند نتیجه بسیاری از جرایم زیست محیطی را شناور کند.

نتیجه مجرمانه شناور، نیاز به دیده بانی خبرگی دارد. دیده بانی، نظارت مستمر و متعارف درباره نحوه، میزان و گستره نتایج حاصل از رفتار مجرمانه بر ضد محیط زیست است. دیده بانی از سوی کارشناسان متصدی زیست بانی یعنی سازمان محیط زیست یا وزارت بهداشت یا سازمان دام پزشکی انجام می‌شود ولی این دیده بانی به طور پیوسته به مقام قضایی گزارش می‌شود. بنابراین پرونده قضایی در جرایم زیست محیطی می‌تواند به حالت شناور دربیاید به گونه‌ای که اگر طبق نظر کارشناس، نتیجه جرایم زیست محیطی به طور متقن روشن نباشد، نیاز به نظارت و دیده بانی خواهد داشت و بر حسب میزان و گسترده آلودگی نسبت به محیط زیست، مسوولیت انجام دهنده جرم مشخص می‌شود.

اهمیت دیگر، دیده بانی خبرگی و قضایی در حفظ رابطه استناد میان رفتار مرتکب و نتیجه مجرمانه است؛ زیرا ویژگی شناور بودن موضوع جرم، می تواند قاطع رابطه رفتار مرتکب با نتیجه ای باشد که مدام در حال تغییر است. به سخن دیگر باید احراز شود که نتیجه در حال تغییر نه به واسطه عارض شدن پدیده های طبیعی یا ناشی از عامل های دیگر بلکه به جهت همان رفتار مجرمانه ای است که به عنوان سرمنشأ تغییرات شناخته می شود.

نتیجه گیری

جرایم زیست محیطی از حیث رفتار مجرمانه و موضوع مورد حمایت، متعدد و متکثر، ولی از جهت نتیجه مجرمانه، محدود و معدود اند. تکثر و تعدد رفتار و موضوع با همدیگر ملازمه دارند؛ زیرا به هر اندازه که ارزش ها یا موضوعات مورد حمایت پرتعداد باشند در واقع، ممنوعیت های رفتاری بر ضد آنها پرتعداد می شود و حتی در بیشتر موارد، شمار رفتارها از موضوعات نیز بیشتر می شود؛ چون ممکن است یک موضوع خود در برابر رفتارهای متعددی حمایت شده باشد. در جرایم زیست محیطی، هر دو حالت وجود دارد: از یک سو، به جهت تنوع و تعدد، از جانوران گرفته تا گیاهان و جنگل ها و از هوا گرفته تا دریاها، طیف گسترده ای از ارزش ها یا موضوعات زیست محیطی مورد توجه قانونگذار بوده است و از سوی دیگر، رفتارهای متعددی ممکن است علیه یک موضوع واحد محقق شود مانند رفتارهایی نظیر زنده گیری، قاچاق، حمل، خرید و فروش و مانند اینها نسبت به برخی پرنده های حفاظت شده.

برعکس رفتار و موضوع، نتیجه مجرمانه در جرایم زیست محیطی محدود به پیامدهای انگشت شمار مانند آلوده شدن، برهم خوردن تعادل، از بین رفتن و تخریب است. البته ماهیت نتیجه مجرمانه در عموم جرایم، محدود بودن در برابر تکثر و گسترده بودن رفتار و موضوع است ولی آن چه در جرایم زیست محیطی، به عنوان یک چالش مهم مطرح می شود، شناور بودن نتایج حاصل از رفتار بر روی موضوع است.

شناور بودن نتیجه مجرمانه متأثر از ویژگی های موضوع جرم از یک سو، و میزان و گستره تأثیرگذاری رفتار بر موضوع جرم از سوی دیگر است. موضوعات جرم زیست

محیطی یعنی همان نمادهای محیط زیست، عموماً ماهیتی سیال و پویا دارند و به واسطه همین ویژگی، به صورت پیوسته در حال تغییر اند. این تغییر می تواند خود به خود مضر یا مفید برای انسان و موجودات باشد؛ همچنان که این تغییرات مضر یا مفید ممکن است ناشی از خود طبیعت و نمادهای آن مانند حیوانات باشد، یا ناشی از رفتار انسان. در جایی که پای انسان به عنوان شخص حقیقی و ایجاد کننده اشخاص حقوقی در میان باشد، ارزیابی تغییرات مضر ناشی از رفتارش، ملاک سنجش گستردگی و چگونگی جرایم زیست محیطی است به گونه ای که حتی ممکن است در ورای تغییرات مضر که به طبیعت نسبت داده می شود، در اصل اقدامات انسان مطرح باشد هر چند این اقدامات به دهه ها یا سده ها پیش از تغییرات مضر برگردد.

بدین حال، نخستین دستاورد عناصر مجرمانه شناور به ویژه نتیجه شناور برای جرایم زیست محیطی، توسعه مجرمیت انسان و مسؤولیت کیفری وی در برابر تغییرات مضر زیست محیطی است. این توسعه در پی دیده بانی مستمر اثرات رفتار انسان بر تغییرات زیست محیطی و ارزیابی کمترین زیان به طبیعت به دست می آید. بر این اساس حتی اگر زیان ناشی از رفتار انسان در طبیعت هضم شود و از بین برود یا حتی فراتر از آن، زیان به سود تبدیل شود، بازهم جرایم زیست محیطی، محقق یافته تلقی می شود؛ زیرا این خاصیت شناور بودن عناصر مجرمانه است که در هر زمانی که در حال تجدید و پویایی اند، وصف مجرمانه خود را نشان می دهد و مقام قضایی نیز بر اساس ظاهر شدن توصیف مجرمانه تصمیم می گیرد، و نه احیاناً از بین رفتن تدریجی آن.

رویکرد شناور بودن عناصر مجرمانه جرایم زیست محیطی متضمن دیده بانی مستمر دستگاه قضایی و نهادهای اعلام کننده یا تشخیص دهنده جرم زیست محیطی است. این دیده بانی قضایی و کارشناسی، بخشی از تلاش های فراگیر جوامع امروزی در رویارویی با تغییرات نگران کننده زیست محیطی است. در واقع، در بحبوحه بزرگ ترین و گسترده ترین فجایع و تغییرات اقلیمی و زیست محیطی زیانبار که بشر ثبت کرده است، باید همه تلاش ها و سیاست های موثر به کار گرفته شود و یکی از این سیاست ها و شاید مهم

ترین آنها که تاکنون از آن غفلت ورزیده شده است، سیاست کیفری متناسب با ماهیت و ویژگی های خود محیط زیست است که بتواند به جای انطباق محیط زیست بر سیاست کیفری، سیاست کیفری را با محیط زیست همگام کند؛ یعنی سیاست کیفری شناور در حفاظت از محیط زیست.

منابع

- احدی، رضا؛ رستگار مهجن آبادی، محمدباقر و طغرانگار، حسن (۱۳۹۹)، **بازکاوی عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق با تأکید بر جرایم علیه محیط زیست**، پژوهش های حقوقی، ۴۳، ۷۱-۹۹.
- امید، جلیل؛ یوسفی پور، فرهاد (۱۳۹۳)، **موقعیت و مبانی ارزش گذاری محیط زیست و لزوم مقابله با آلاینده ها در فقه اسلام**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۰، ۷-۳۰.
- بابایی، مهدی (۱۳۹۶)، **بررسی جرم شناختی جرایم زیست محیطی (اکوساید)**، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تبریز.
- پیری، مریم؛ قاسمی، ناصر (۱۳۸۸)، **بررسی حقوقی - قضایی چگونگی و نقش اعمال حقوق شهروندی در محیط زیست**، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۱ (۳)، ۲۱۲-۲۰۵.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷)، **مبانی محیط زیست**، چ ۴، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- رشیدی، علی؛ آقایی بجستانی، مریم؛ روحانی مقدم، محمد (۱۴۰۱)، **واکاوی ابعاد جرم شناختی جرم سبز از منظر فقه امامیه و اسناد بین الملل**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۸، ۱۰۳-۱۳۰.
- عبداللهی، اسماعیل (۱۳۹۳)، **مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان**، چ ۳، تهران: خرسندی.
- عبداللهی، محسن؛ رمضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ فریادی، مسعود؛ ساجدی، زهرا (۱۳۸۸)، **حقوق کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها**، تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور.
- عبداللهی، محسن (۱۳۹۶)، **کتابچه قضایی حقوق محیط زیست**، چ ۲، تهران: خرسندی.
- شفیع، امین؛ رنجبر، فضل الله (۱۳۹۷)، **بررسی حقوقی جرایم محیط زیست و مرتبط با منابع طبیعی**، تهران: قانون یار.
- قاسمی، ناصر (۱۳۹۶)، **حقوق کیفری محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین المللی)**، چ ۲، تهران: خرسندی.
- قربانی، مجتبی (۱۳۹۹)، **بررسی تطبیقی جرم تخریب محیط زیست در حقوق ایران**، فقه امامیه و حقوق فرانسه، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- قوام، میرعظیم (۱۳۷۵)، **حمایت کیفری از محیط زیست**، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۶)، **چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی**، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، ۹، ۸۷-۱۰۴.
- وایت، راب (۱۳۹۵)، **جرایم زیست محیطی فراملی: به سوی جرم شناسی جهان بوم**، ترجمه: حمیدرضا دانش ناری، ج ۲، تهران: میزان.
- Brisman, Avi & Soth, Niger (2014), **Green Cultural Criminology**, first edition, London: Routledge.
- Broswimmer, Franz J. (2002), **Ecocide: A Short History of the Mass Extinction of Species**, first edition, London: Pluto Press.
- Gibbes, Carole & L. Gore, Meredith & F. McGarrell, Edmund & Rivers, Louie (2010), Introducing Conservation Criminology: Towards Interdisciplinary Scholarship on Environmental Crimes and Risks, **British Journal of Criminology**, Vol. 50, Issue 1, pp. 124-144.
- Gregory, Robin & Trousdale, William (2009), Compensating Aboriginal Cultural Losses: An Alternative Approach to Assessing Environmental damages, **Journal of Environmental Management**, Vol. 90, Issue 8, pp. 2469- 2479.
- Higgins, Polly (2010), **Eradicating Ecocide Laws and Governance to Prevent the Destruction of our Planet**, first edition, London: Shepherd- Walwyn Press.
- St. John, David; Brannan, Clifton; Beiserwieden, Hannah; Fountain, Julia; Larson, Matthew; Lydic, Jacqueline & Stegman, Luke (2020), Environmental Crimes, **American Criminal Law Review**, Vol 57, Issue 3, pp. 657- 726.
- White, Rob (2009), Researching Transnational Environmental Harm: Toward an Eco- Global Criminology, **International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice**, No 33, pp. 229-248.